

نقد روایات دینی فضایل هرات در تاریخنامه سیفی

نویسنده: پوهندوی فضل الرحمن فقیهی

چکیده

تاریخنامه سیفی یکی از آثار تاریخی- ادبی زبان فارسی دری است. در این کتاب که منبعی از منابع تاریخ هرات است، آثار روایی در باب فضایل هرات آورده شده که قابل تأمل است. این روایات از طرفی همراه با مبالغه اند، به حدی که بیانگر فضیلت هرات بیشتر از مواضع مقدس دینی است؛ از جانب دیگر این روایات در هیچ یک از کتابهای معتبر نقل نشده اند و موجود نیستند. وجود روایات مستندی در باب برخی از مواضع دیگر بیان میکند که اگر روایات فضایل هرات درست و مستند می بودند، در کتب حدیث معتبر به مشاهده می رسیدند. لذا احادیث فضایل هرات در تاریخنامه از نگاه روایت و درایت درست به نظر نمی رسند و قابل قبول نیستند.

واژه گان کلیدی: سیفی، تاریخنامه، هرات، روایت.

مقدمه

تاریخنامه هرات، تألیف سیف بن محمد بن یعقوب هروی است که معروف به تاریخنامه سیفی می باشد که در باب تاریخ و اوصاف هرات نگاشته شده است. در بخش دوم این کتاب، به روایت احادیثی پرداخته شده که گویا رسول خدا صلی الله علیه وسلم آنها را در فضیلت هرات ارائه داشته اند. این روایات در برخی از کتابهای تاریخی چون *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات* نیز آمده اند (اسفزاری؛ ۱۳۳۸: ج ۱، ۹۴-۱۰۰) که به احتمال قوی اسفزاری نیز از همین تاریخنامه سیفی و سایر کتابها در روایت این اخبار سود جسته است. وجود این روایات در تاریخنامه و سایر کتابها، ذهن اهل مطالعه را مشوش می سازد و پرسشهایی را در اندیشه شان متبادر می گرداند. بدان دلیل که فضایل مطرح شده در این روایات برای امکان مقدسه نیز میسر نیست.

مسلم است که در نقل احادیث رسول گرامی اسلام، همان گونه که در روایت عبارات و الفاظ باید امانت داری شود، در صحت و سقم آنها با توجه به سلسله اسناد هر حدیث و روایت نیز باید توجه جدی صورت گیرد؛ زیرا، روایت خبرهای ناموثق و غیر صحیح، کذب و گناه بزرگی است که باید هر مسلمان اهل علم و مطالعه از آن پرهیز کند. رسول گرامی اسلام فرموده اند: «... مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدٍ فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ». (بخاری؛ ۱۴۲۲: ج ۱، ۳۳) «هر که بر من به قصد دروغی را نسبت دهد، جای خود را از آتش دوزخ مهیا ببیند».

نقد این روایات در صورت ردّ و تضعیف هیچگاه ارزش ادبی و تاریخی تاریخنامه هرات را زیر سؤال نمیرد؛ زیرا تضعیف و نقد این بخش، سایر روایات تاریخنامه را کم مایه جلوه نخواهد داد؛ از آن رو که هر کدام بابتی جداگانه اند. همچنان که وجود این روایات در *روضات الجنات* اسفزاری نیز ارزش تاریخی و ادبی آن کتاب را زیر سؤال نمیرد. در این مقاله به نقد روایات

یادشده پرداخته میشود.

وصف آب و هوای هرات

نخستین حدیثی که در باب اوصاف هرات در تاریخنامه روایت شده در باب آب و هوای هرات آمده و بدین عبارت نقل گردیده است: «إِنَّ اللَّهَ بِخُرَاسَانَ مَدِينَةً يُقَالُ لَهَا هَرَاتٌ، طَبِيبَةٌ هَوَاءُهَا وَ مَتَرَةٌ أَنْهَارُهَا صَلَّى عَلَيْهَا أَخِي ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَ إِيَّاسُ وَ الْخَضِرُ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا أَحَدٌ إِلَّا بِالسَّلَامِ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهَا كُلَّ يَوْمٍ نَظْرَةً يَغْفِرُ بِهَا مَنْ يَرِيدُ وَ يَعْفُو عَنْ مَنْ يَشَاءُ». (سیفی؛ ۱۳۸۳: ۴۸)

«هرآیینی برای خداوند در خراسان شهری است که آن را هرات گویند. هوای خوش و جویهای پرآب دارد. برادرم ذوالقرنین و الیاس و خضر بر آن دعا نمودند، هیچ کس جز با صلح و سلم بر آن قدرت یافته نتواند، خداوند هر روز به سویش یک نظر می کند و به وسیله آن هر که را که بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد می بخشد.»

مضمون این حدیث با بیانات خود سیفی، مؤلف تاریخنامه درست نمی آید؛ چه نقل سیفی از حال هرات در حادثه چنگیزیان بیانگر تخریب و سلطه آنان بر هرات بوده است؛ آنجا که میگوید: «أَفْتَابَ اقْبَالَ خَطَّةَ هَرَاتٍ مِنْ بَرَجِ شَرَفٍ وَ كَمَالٍ بِهْ خَانَةِ هَبُوطٍ وَ وَبَالَ وَ دَرَجَةَ زَوَالٍ تَحْوِيلٍ كَرْدٍ وَ سَاكِنَانَ صَوَامِعَ جَبْرُوتِ نَدَايِ الشَّهَدَاءِ مِنْ جُلَسَاءِ الْأَنْبِيَاءِ فِي الْجَنَّةِ، بِهْ غُوشِ هَوْشِ سَكَّانِ هَرَاتِ فَرُوحَانْدَنْدِ، شَهْزَادَةِ تُولِي خَانَ . . . فَرَمُودَ تَا تَمَامَتِ خَلْفَ رَا بِهْ چَهَارَ بَخْشِ كَرْدَنْدِ وَ هَرِ بَخْشِ رَا بِهْ دَرَوَازَهْ یی بُرْدَنْدِ وَ بِهْ قَتْلِ رَسَانْدِ. دَرِ هَرِ كَامِي نَكُونَامِي سَرِ بُرِيدَنْدِ، دَرِ هَرِ قَدَمِي رَسْتَمِي رَا بِكَشْتَنْدِ وَ دَرِ هَرِ جَوِي دَلْجَوِي گَرْدَن زَدَنْد». (سیفی؛ ۱۳۸۹: ۶۹). به همین گونه در باره بار دوم تخریب هرات در تاریخنامه آمده است: «شهر هرات را بگرفت و بفرمود تا خلقش را از زن و مرد به قتل رسانند؛ به حکم او جویهای خون روان کردند و خلق را از جوان و پیر و صغیر و کبیر

به قتل رساندند». (سیفی؛ ۱۳۸۹: ۸۰)

مضمون حدیث بیان می‌دارد که کسی هرات را بدون سلامتی اهل آن داخل شده نمی‌تواند و غلبه نمی‌کند؛ حال آنکه تولی خان بر آن غلبه نمود و اهل آن را به خاک و خون کشید و قتل عام نمود؛ همان گونه که این معامله بارهای دیگر نیز توسط برخی از حکام تکرار شده است. ویژه گی عدم غلبه و عدم تعرض بر اهل مساکن و عمارات، که سیفی آن را با این روایات به هرات نسبت داده، در حرمین مکه و مدینه و حرم بیت المقدس نیز وجود ندارد؛ زیرا، بارها مواضع و شهرهایی که این اماکن در آنها واقع اند، مورد هجوم و تاراج واقع شده اند؛ چنانکه خانه کعبه به منجنیق بسته شد و مدینه منوره تاراج شد؛ از این رو، حدیث مذکور با روح روایات تاریخی موثق، سازگار نیست.

رقابت شهدای هرات با شهدای بدر و فضیلت نماز در هرات

از جمله روایات فضایل هرات حدیثی است که گویا فضیلت شهدای هرات را بیان داشته و نیز بر فضیلت ادای نماز در هرات دلالت می‌نماید. این حدیث به این لفظ بیان شده است: «إن لله بخراسان مدينة يقال لها هراة، كثيرة ثمارها، غزيرة أنهارها تجري البركة. على كل بابها ملك شاهر سيفه يدفع البلاء عن أهلها إلى يوم القيامة رجالها مؤمنون و نساءها مؤمنات قد بارك عليها إبراهيم و إسماعيل و خضر و إلياس بناها ذوالقرنين رباطا لأهلها. الظاعن عنها في سبيل الله والمرابط كالذي يحج حجة مبرورة و إن شهداءها تبعث يوم القيامة تزاحمون شهداء بدر والذي نفسى بيده إن الصلوة فيها خير من ألف صلوة فيما سواه». (سیفی؛ ۱۳۸۹: ۸۳)

«بدون شک در خراسان شهری است که برایش هرات گفته می‌شود؛ دارای میوه های زیاد و جویهای پرآب است که در آنها برکت جاری است. بر هر دروازه آن فرشته‌یی است که برای دفع

بلا از اهل هرات تا روز قیامت شمشیر کشیده‌یی آماده دارد. مردان و زنان مؤمن اند، ابراهیم و اسماعیل و خضر و الیاس علیهم السلام بر آن دعای برکت کردند، این شهر را ذوالقرنین به عنوان رباطی برای اهل آن آباد کرد، هر که از این شهر در راه خدا سفر کند و آماده گی گیرد، مانند کسی است که حج مقبولی را ادا کند و شهدای آن در روز قیامت با شهدای بدر رقابت می‌کنند و سوگند به خدایی که نفس من به دست اوست، نماز در این شهر بهتر از هزار نماز در جایهای دیگر است».

در این حدیث دو موضوع قابل بررسی اند:

نخست، اینکه ممکن نیست شهدای هرات در قیامت با شهدای بدر مزاحمت و رقابت کنند؛ زیرا، هیچ کس به اهل بدر نمیرسد؛ چه رسد که به شهدای بدر برابری کند. حقیقت این است که برای اهل بدر امتیاز فوق العاده داده شده؛ به حدی که هرگناهی را که مرتکب شده باشند مغفور و بخشیده است. در حدیثی به روایت مسلم آمده که رسول گرامی اسلام سه نفر از یارانش: علی، زبیر و مقداد رضی الله عنهم را به روضه خاخ فرستادند که زنی را با نامه یی اسیر کنند و از نزدش نامه را باز آورند. آنان رفتند تا نامه را از نزدش بگیرند، او اول از دادن نامه امتناع ورزید و علی رضی الله عنه به او گفت: یا نامه را بده و یا ترا برهنه خواهیم ساخت تا نامه را از وجودت پیدا کنیم. سرانجام آن زن نامه را به ایشان داد و آن را به نزد رسول صلی الله علیه و سلم آوردند. این نامه از طرف حاطب بن ابی بلتعه، که یکی از اصحاب بود، به سوی مشرکان مکه ارسال شده بود و اخباری از پیامبر را احتوا می‌کرد.

پیامبر صلی الله علیه و سلم برای حاطب گفتند: ای حاطب این چیست؟ او گفت: یا رسول الله! بر تصمیم گیری در مورد من شتاب مکن. من شخص بیگانه یی در میان مردم مکه بودم و جز من

همه مهاجران با مردم مکه قرابت داشتند، خواستم با این نامه حمایت شان را به دست آورم. این کار من از سبب کفر و ارتداد از من سر زده است. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: حاطب راست میگوید. در این هنگام عمر رضی الله عنه گفت: یا رسول الله مرا بگذار تا گردن این منافق را بزنم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّهُ قَدْ شَهِدَ بَدْرًا، وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ اللَّهَ أَطْلَعَ عَلَى أَهْلِ بَدْرٍ فَقَالَ: اْعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ، فَقَدْ غَفَرْتُ لَكُمْ؛ او در بدر حضور داشته است، تو چه می دانی، به طور قطع الله تعالی بر اهل بدر اطلاع داشته که فرموده است: هر چه می خواهید بکنید من شما را آمرزیده‌ام».

(مسلم؛ ج ۴، ۱۹۴۱)

موضوع دوم، فضیلت نماز خواندن در هرات است. به طور قطعی در مورد فضیلت نماز در هرات حدیثی وجود ندارد و اگر می بود در کتابهای حدیث مدون روایت می شد. برعلاوه این مسلم است که فضیلت نماز به اعتبار مواضع، تنها مخصوص مکه مکرمه، مدینه الرسول و بیت المقدس است که در روایات صحیح به اثبات رسیده است.

از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». (بخاری؛ ۱۴۲۲: ج ۲، ۶۰؛ القشیری؛ ج ۲، ۱۰۱۲)

«یک نماز در همین مسجد من بهتر است از هزار نماز در سایر مواضع؛ جز مسجد الحرام».

ابن ماجه از جابر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ». (ابن ماجه؛ ج ۱، ۴۵۱)

«یک نماز در همین مسجد من بهتر از هزار نماز در سایر مواضع است؛ مگر مسجد الحرام. و

نماز در مسجد الحرام بهتر است از صدهزار نماز در سایر مواضع». همین حدیث را امام احمد نیز در مسند خویش از جابر رضی الله عنه روایت کرده است. (ابن حنبل؛ ج ۲۳، ۴۶)

توصیف میوه‌های هرات و توصیه به مسافرت به این شهر

دیگر از موارد قابل نقد، حدیثی است که با این عبارت در تاریخنامه سیفی آمده است: «خیر خراسان هراة طيبة ثمارها و ماءها و هواءها قد بارک علیها سبعون نبیا» (سیفی؛ ۱۳۸۹: ۸۴) به همین گونه حدیث دیگری به این عبارت فارسی در آمده است: «در خراسان شهری است که آن را هرات گویند و در نواحی او شهر دیگری است که او را فوشنج گویند در یک فرسنگ فوشنج رباطی است که ابراهیم خلیل و اسماعیل علیهما السلام بدانجا رسیده اند و بر آن ولایت دعای خیر و برکت کرده بر شما باد که چون به خراسان روید، بدان موضع گذر کنید. . . و اگر ساکن شوید در هرات مقام کنید که بهتر خراسان است». (سیفی؛ ۱۳۸۹: ۸۶) باز روایت دیگر را نیز نقل کرده که رسول خدا برای عایشه رضی الله عنها فرمودند: «اگر بعد از وفات من سفر کنی، بر تو بادا که به خراسان روی و در خراسان به شهری مقام کنی که او را هرات گویند که بهترین خراسان است و در جوار او شهدای بسیار آسوده اند. و هر کس که در وی ساکن باشد از عاهات و آفات رسته باشد. . .». (سیفی؛ ۱۳۸۹: ۸۶)

هر سه روایت مذکور از دیدگاه‌هایی قابل نقد اند که در زیر بدان پرداخته می‌شود:

نخست، این روایتها و نیز هیچ گونه روایت دیگری در باره هرات و فوشنج در کتابهای معتبر حدیث مانند کتب ششگانه اهل سنت و مسند امام احمد و دیگران نیامده است و اگر چنین روایاتی وجود میداشت و به صحت مقرون میبود، دقیقاً روایت میشد؛ چنان که در شأن فارس و سایر مواضع آمده و در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود:

در صحیح مسلم به روایت ابی هریره آمده است که رسول خدا در مورد فارس و اهل فارس فرموده اند: «لَوْ كَانَ الدِّينُ عِنْدَ الثُّرَيَّا، لَذَهَبَ بِهِ رَجُلٌ مِّنْ فَارِسَ - أَوْ قَالَ - مِّنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ حَتَّى يَتَنَاوَلَهُ؛ اگر دین در ثریا باشد، مردی از اهل فارس یا به روایتی از فرزندان فارس آن را به دست می‌آورد» (مسلم؛ ج ۴، ۱۹۷۲) و در شأن شام آمده است: «إذا فسد اهل الشام فلا خير فيكم لاتزال طائفة من امتي منصورين لا يضرهم من خذلهم حتى تقوم الساعة؛ هرگاه که اهل شام فاسد شدند، در میان شما خیری وجود ندارد. همیشه گروهی از امتم پیروز شده هستند طوری که تا قیام رستاخیز ترک نصرت یاری کنندگان ایشان را ضرر نرساند». (ترمذی؛ ج ۲، ۴۲) امام بخاری گفته است که این گروه منصور و پیروزمند، اهل حدیث می‌باشند. (همانجا)

در روایتی دیگر آمده است که رسول خدا دستش را بر سلمان فارسی نهادند و فرمودند: «لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ عِنْدَ الثُّرَيَّا، لَنَالَهُ رَجُلٌ مِّنْ هَؤُلَاءِ؛ اگر ایمان در ثریا باشد شخصی از این گروه آن را به دست خواهد آورد» (مسلم؛ ج ۴، ۱۹۷۲)

به همین گونه در روایات دیگر آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم به کسری و قیصر، نجاشی و پادشاهان دیگر نامه فرستادند. امام نووی تصریح کرده که کسری لقب هر یک از پادشاهان فارس بوده است و دقیقاً در دوره رسول الله صلی الله علیه وسلم فارس و امپراتوری فارس و ساسانیان مطرح بودند نه هرات و فوشنج تا در احادیث نبوی آمده باشند.

دوم، اینکه رسول گرامی اسلام از سفرکردن به هرجایی، به منظور بزرگی مقام و جایگاه، جز اماکن سه گانه مسجد الحرام، مسجد الاقصی و مسجد خویشتن نهی کرده و فرمودند: «لَا تَشْدُوا الرَّحَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِي هَذَا، وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى؛ بار سفر جز به سوی این سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد اقصی بر بسته نشود». (مسلم؛ ج ۲،

نسائی نیز این حدیث را با اندک تغییری در تقدیم برخی الفاظ بر بعضی دیگر چنین روایت داشته است: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِي هَذَا وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى؛ بار سفر پرسته نشود؛ جز به سوی این سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد اقصی». (سنن نسایی، ۲/۳۷؛ ابوداود، ج ۲، ۲۱۶)

اکنون باید ملاحظه کرد که وقتی رسول گرامی اسلام مردم را از سفر کردن به جهت تعظیم جز از مواضع سه گانه منع نمودند، چگونه خانم خویش را مأمور میساختند تا به هرات سفر کند؛ در حالی که هرات کدام فضیلت و مزیت قابل ملاحظه^[۱]ی را دارا نبوده است؛ از جانب دیگر، هیچ گونه روایتی در دست نیست که ثابت بسازد، عایشه رضی الله عنها به سرزمین خراسان و مشرق زمین سفر کرده باشد؛ حال آنکه اگر رسول الله صلی الله علیه وسلم او را مأمور می ساختند بدانجا سفر می کرد. اینکه وی بدین دیار سفر نکرده ثابت است. امام نووی می گوید: «عایشه رضی الله عنها هیچ گاهی به بلاد فارس وارد نشده است». (نووی؛ ۱۳۹۲: ج ۶، ۱۱)

مشاهده نورانیت هرات در شب معراج

از موارد قابل نقد در تاریخنامه، حدیثی است که آن را به رسول خدا نسبت داده و چنین نقل کرده است: «لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَرَانِي جِبْرِيلَ بَقَاعِ الْأَرْضِ شَرْقَهَا وَغَرْبَهَا فَرَأَيْتُ بَقْعَةً عَمُودٌ مِنْ نُورٍ فَقُلْتُ يَا جِبْرِيلُ مَا هَذِهِ الْبَقْعَةُ؟ فَقَالَ هَذَا بَلَدُ هَرَاتٍ وَالنُّورُ فِي مَوْضِعٍ يُدْفَنُ فِيهِ بَعْضُ أَوْلَادِكَ». (سیفی؛ ۱۳۸۹: ۸۴)

«هنگامی که مرا به سوی آسمانها در معراج بالا بردند، جبرئیل برایم تپه های زمین، اعم از شرق و غرب را نشان داد. در این وقت تپه ستون مانند ای از نور را دیدم. گفتم ای جبرئیل، این تپه چیست؟ گفت این شهر هرات است و نور در جایی است که در آن برخی از فرزندان مدفون

می شود».

این روایت همچنان که در هیچ کتاب موثق نیامده محتوای آن نیز قابل نقد است؛ زیرا نخست وجود نور در نزد مراقد اولاد آن حضرت و یا کدام شخص دیگر ثابت نیست، دوم، اینکه در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم از اولاد شان کسی در این دیار دفن نشده بود تا نوری داشته باشد. برعلاوه سرگذشت معراج رسول خدا در کتابهای معتبر حدیث به تفصیل آمده است و در هیچ کدام این مطلب به اثبات نرسیده است. حدیث معراج در صحیح البخاری به روایت انس بن مالک از ابی ذر به شرح تمام آمده و در آن حدیث، اموری از قبیل مشاهده مقام هریک از پیامبران، فرضیت و تخفیف در فریضة نماز و سایر امور یادآوری شده (بخاری؛ ج ۱، ۷۸)؛ اما هیچ یادی از هرات و مزایای آن نرفته است.

ترمذی روایت کرده که آن حضرت صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «لَمَّا عُرِجَ بِي رَأَيْتُ إِدْرِيسَ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ؛ وَفَتَى بِالْأَبْرَةِ شَدَمَ أَدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَى فِي السَّمَاءِ أَرْبَعَةَ أَقْدَامٍ» (ترمذی؛ ۵/۳۱۶)

ابوداود از ایشان روایت کرده که فرمودند: «لَمَّا عُرِجَ بِي مَرَرْتُ بِقَوْمٍ لَهُمْ أَظْفَارٌ مِنْ نَحَاسٍ يَخْمُشُونَ وَجُوهَهُمْ وَصُدُورَهُمْ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرِيلُ، قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ لُحُومَ النَّاسِ، وَيَقَعُونَ فِي أَعْرَاضِهِمْ» (ابوداود؛ ۴/۲۶۹)

«هنگامی که بالابرده شدم از نزد گروهی گذشتم که ناخنهایی از نحاس داشتند و رویها و سینه های شان را می خراشیدند. گفتم: اینان چه کسانی هستند ای جبرئیل؟ گفت: اینان کسانی اند که گوشت مردم را می خوردند و به بردن آبروی شان اقدام می کردند».

نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله گفته آمد به دست می آید که هرچند کتاب تاریخنامه هرات از لحاظ سبک نگارش و محتوای تاریخی اش اثری متقن، دارای سبک قوی، و بسیار روان است و در حوزه

تاریخ و ادبیات ارزشمندی خاص خود را داراست. مؤلف در کاربرد روایات دینی و آیات قرآنی بسیار مهارت و قوت داشته است؛ اما در تحقیق روایات دینی به ویژه در باب فضایل هرات در این کتاب اندکی سهل انگاری صورت گرفته است. این سهل انگاری ویژه این کتاب نیست؛ بلکه در همین دوره برخلاف دوره های قبل و دوره های بعد به تحقیق در مورد رجال و اسناد روایات نمیپرداختند؛ زیرا تبحر در فنون و علومی که وسیله انگاشته می شوند بیشتر رواج و عرف عام بوده؛ تا تحقیق در روایات دینی و علم الرجال. این ضعف و عدم تحقیق در روایات دینی را می توان در روایاتی که در آثار مولانا جلال الدین محمد بلخی، مولانا جامی و دیگران به کار رفته نیز مشاهده کرد. دانشمندان این عصر بیشتر به فنون و علومی از قبیل منطق، صرف، نحو، علوم بلاغی میپرداختند و دقت در روایات دینی کمتر مورد توجه بوده است. با این ملاحظه چنین روایات ضعیف در نوشته های شان جای گرفته است. قابل ذکر است که وجود این روایات ارزش تاریخی و ادبی کتاب تاریخنامه و کتابهای مانند آن را اندک نمی سازد؛ بلکه این اثر همچو آثار شبیه خود به ویژه در باره هرات از کتابهای مأخذ و مراجع معتبر دانسته می شود.

مآخذ

۱. ابن حنبل الشیبانی، أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل. (۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م). مسند الإمام أحمد بن حنبل. تحقیق شعيب الأرئوط - عادل مرشد و دیگران. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲. ابن ماجه قزوینی، أبو عبد الله محمد بن یزید. (بی تا). سنن ابن ماجه. دو جلد. تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي. دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي.
۳. أبوداود الأزدي السجستاني، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو. (بی تا). سنن أبي داود. تحقیق محمد محیی الدین عبد الحمید. چهار جلد. صیدا - بیروت. المكتبة العصرية.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ هـ - ق). صحیح البخاری. تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر. بیروت. دار طوق النجاة (مصوره عن السلطانية بإضافة ترقیم محمد فؤاد عبد الباقي).

۵. ترمذی، محمد بن عیسی بن سَورَةُ بن موسی بن الضحاک. (۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م). منی التومذی. تحقیق و تعلیق أحمد محمد شاکر. (ج ۱، ۲)، محمد فؤاد عبد الباقي (ج ۳) و إبراهيم عطوه عوض المدرس فی الأزهر الشريف (ج ۴، ۵). ، پنج جلد. مصر. چاپ دوم. شرکه مکتبه و مطبعه مصطفى البابي الحلبي.
۶. زمجی اسفزاری، معین الدین محمد. (۱۳۳۸). روضات الجنّات فی اوصاف مدینة هرات. به تصحیح محمد کاظم امام. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۷. سیفی هروی، سیف بن محمد بن یعقوب. (۱۳۸۳). تاریخنامه هرات. تصحیح غلام رضا طباطبایی مجد. تهران. انتشارات اساطیر.
۸. القشیری النیشابوری، أبو الحسن مسلم بن الحجاج. (بی تا). صحیح مسلم. تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، پنج جلد. بیروت. دار إحياء التراث العربی.
۹. نسایی خراسانی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علی. (۱۴۰۶ - ۱۹۸۶). المجتبى من السنن - السنن الصغرى للنسائی. تحقیق عبد الفتاح أبو غده، هشت جلد. حلب. چاپ دوم. مکتب المطبوعات الإسلامیه.
۱۰. النووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف. (۱۳۹۲). المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ۹ جلد. بیروت. چاپ دوم. دار إحياء التراث العربی.